




Body psychometrics in Farshid Maleki's paintings

Hanane Yaghoubi , PhD Candidate of Art Research, Department of Art Specialized, Faculty of Civil Engineering, Art and Architecture, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, tehran, Iran.

Minoo Khany , assistant Professor, Department of Art Specialized, Philosophy of art, North Tehran University, Islamic Azad University, tehran, Iran

Abstract

Art is a way to release repressed forces in humans and expose what is hidden inside humans. This research seeks the inner workings of the contemporary Iranian artist, Farshid Maleki. An artist who, by displaying numerous and sometimes repetitive figures, tries to display his unconscious. Charles Moron is one of the first people to combine art and psychoanalysis, which is why this article analyzes Farshid Maleki's figures using his method. Moron emphasizes the "repetition" approach in art and literature and considers it to be rooted in each person's childhood. Psychoanalysis is the name given to Charles Moron's four stages of analysis. This research is descriptive-analytical in terms of method and applied in terms of purpose, and the data collection was carried out in a library manner. In Maleki's view, the body has moved away from reality and has become intertwined with abstraction and deformity. In this study, based on Maleki's works and the study of recurring figures, it was concluded that his personal myth that caused his inner outpouring was the myth of Pan. Pan was the myth of fear and anxiety in ancient Greece, and disorders such as panic originate from it. This myth is considered humorous and his father's favorite. The physical forms of Maleki's works also indicate the presence of Pan as his personal myth.

Keyword

Charles Moron, psychoanalysis, Farshid Maleki, figure, iranaian art.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مطالعه روان‌سنجی «فیگور» در نقاشی‌های فرشید ملکی براساس نظر شارل مورون

حنانه یعقوبی^۱ ID، مینو خانی^۲ ID

چکیده

هنر برای بخشی از افراد به‌ویژه برخی از هنرمندان دوره معاصر، راهی برای برون‌ریزی مسائل درونی آن‌ها بوده و آن‌چه درون آن‌ها بوده است به معرض نمایش می‌گذارد. این پژوهش به دنبال کشف درونیات هنرمند معاصر ایران، فرشید ملکی است. هنرمندی که با نمایش پیکره‌های متعدد و گاه تکراری، سعی در نمایش ناخودآگاه خود دارد. شارل مورون از نخستین افرادی است که به تلفیق هنر و روان‌کاوی پرداخته است. به همین علت در این مقاله فیگورهای فرشید ملکی با متد او تحلیل شده است. مورون به رویکرد «تکرار» در هنر و ادبیات تأکید کرده و آن را ریشه در دوران کودکی افراد دانسته است. روان‌سنجی، نامی است که بر روی چهار مرحله تحلیل شارل مورون گذاشته شده است. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته و از منظر هدف، کاربردی بوده و جمع‌آوری اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. فیگور در نگاه ملکی از واقعیت دور شده و با انتزاع و از شکل افتادگی عجین شده است. در این پژوهش، با توجه به آثار ملکی و بررسی فیگورهای تکراری، نتیجه بر آن شد که اسطوره شخصی وی که موجب برون‌ریزی درونی او است، اسطوره «پان» می‌باشد. پان، اسطوره ترس و اضطراب در یونان باستان بوده و اختلالاتی چون پانیک از آن نشئت می‌گیرد. این اسطوره را شوخ‌طبع و مورد علاقه پدرش می‌دانند. فرم‌های بدنی آثار ملکی نیز حاکی از حضور پان به عنوان اسطوره شخصی‌اش است.

واژگان کلیدی

روان‌سنجی، شارل مورون، فرشید ملکی، فیگور.

مقدمه

فرشید ملکی متولد سال (۱۳۲۲) در تهران است. او در هنرستان کمال الملک به فراگیری نقاشی مشغول شد و سپس در رشته گرافیک، مدرک کارشناسی خود را گرفت. این هنرمند در دهه پنجاه و در سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی ایران برای فراگیری روش غربی نقاشی به انگلستان رفت. ملکی، از جمله هنرمندان معاصر ایرانی است که پس از گذراندن تحصیلات خود در دانشگاه ردینگ انگلستان و بازگشت به ایران، در نمایش سلیقه شخصی خود بیش از پیش ثابت قدم شد.

او از جمله افرادی است که فیگور را نه به شکل طبیعی، بلکه به صورت از ریخت افتاده و خیالی در آثارش به نمایش می‌گذارد. او این نوع دیدن غیر طبیعی را نه تنها برای انسان، بلکه برای نمایش جانوران و گیاهان نیز به کار برده است. فیگور در آثار ملکی شاخصه‌ای مهم تلقی می‌شود. تکرار فیگورها در اغلب نقاشی‌های او به نوعی یادآور روانکاوی فروید^۱ است.

فروید به ریشه دار بودن آسیب‌های روان شناختی در ناخودآگاه انسان اشاره کرده و پس از او نیز افراد بسیاری از جمله شارل مورون تکمیل‌کننده آن بودند. «شارل مورون^۲ با تأکید بر ویژگی تکرار در آثار هنرمند، به نوعی اسطوره شخصی^۳ آن هنرمند اشاره کرد. برای شارل مورون، هدف تحلیل فرایندهای ناآگاه رسیدن به عوالم دلپسند یا ناگوار دنیای خیال، از رهگذر نمادهای زبان شناختی است» (غیائی، ۱۳۸۲: ۱۷۰). اهمیت این پژوهش برای انطباق و توجه به آثار فرشید ملکی به عنوان هنرمندی معاصر و ساختارشکن است که با نگاه روانکاوانه مورون گره می‌خورد. بسیاری از پژوهشگران نگاه ژیلبر دوران را در اسطوره‌سنجی و اسطوره‌کاوی پیش برده و به مورون نگاه اندکی شده است. این نوشتار علاوه بر نمایش آثار ساختارشکنانه ملکی در کنار هنر رئالیست زمانه‌اش، در پی بهره‌گیری از روان‌کاوی هنری مورون است.

پرسش اصلی در این تحقیق، پیدایی اسطوره شخصی ملکی در نقاشی‌هایش با استفاده از رویکرد چهارگانه شارل مورون است. نویسندگان می‌خواهد تکرار موضوعات آثار ملکی را مورد بررسی قرار داده و آن را با اساطیر بیان شده در روانکاوی مورد تطبیق قرار دهد. پژوهشگر، فیگور در آثار ملکی را دسته‌بندی کرده و پس از توصیف و تحلیل ویژگی‌های تکراری در آثار او، به بیان اسطوره شخصی ملکی می‌پردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده است. جمع‌آوری اطلاعات براساس بهره‌گیری از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و نوشتارهای مرتبط با این موضوع است. در این نوشته نیز با در نظر گرفتن بدن به عنوان عنصر بسیار تکرارشونده در آثار فرشید ملکی، می‌توان به اسطوره‌سنجی شارل مورون دست پیدا کرد و توسط دسته‌بندی تحلیل او اسطوره شخصی هنرمند را مشخص کرد.

در میان آثار تحلیل‌شده، مجموعه آسمان‌ها توسط پژوهش‌گر در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۴۰۱ در گالری هور عکاسی گشت. بقیه آثار از میان نقاشی‌های او در اینترنت به‌ویژه سایت درز انتخاب شده است. تعداد محدودی مصاحبه و فیلم در مجله حرفه هنرمند و انجمن نقاشان ایران از فرشید ملکی وجود داشت که آن‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. پس از مشاهده فیلم‌ها و رجوع به نقاشی‌ها، اسطوره شخصی وی مشخص شد.

پیشینه پژوهش

در حوزه روان‌سنجی و شارل مورون، مقالات محدودی منتشر شده است که می‌توان به مقاله «روان‌سنجی خلاقیت در نقاشی‌های فرانسیس بیکن» نوشته بهروز عوض‌پور و نادر شایگان‌فر در سال ۱۴۰۰ در نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی اشاره کرد. این مقاله هنر فرانسیس بیکن را به‌عنوان یک هنر خلاقانه معرفی می‌کند و نویسندگان خلاقیت را وابسته به درون انسان دانسته که با ناخودآگاه او پیوند دارد. در این نوشتار، پس از مشاهده و بررسی نزدیک به پنجاه اثر بیکن، اسطوره شخصی او، «هراکلس» تعیین می‌شود و نویسندگان این اسطوره را براساس گفته‌ها و زندگی شخصی او بسط می‌دهند. علاوه بر این مقاله «مضامین مکرر در ناخودآگاه نویسنده؛ نگاهی به مجموعه داستان آدم‌های اشتباهی» نوشته مهرناز شیرازی عدل در سال ۱۳۹۷ در نشریه نقد کتاب ادبیات و هنر نیز قابل توجه است. شیرازی عدل به تأثیر و اهمیت ناخودآگاه نویسنده در آثارش اشاره دارد و توصیفات او را درباره بدن، خیال و اتفاقات گوناگون را مهم می‌داند. در این مقاله از نگاه شارل مورون بهره گرفته شده و به بازی‌های زبانی دوران پست‌مدرن نیز اشاره شده است.

کتاب‌هایی نیز در رابطه با این موضوع منتشر شده که می‌توان به «روان اسطوره‌شناسی‌های هنری» و «روان - اسطوره‌شناسی: فرهنگ روان‌رنجوری‌های اسطوره‌ای» نوشته بهروز عوض‌پور و سهند و سائینا محمدی خبازان اشاره کرد.

چهارچوب نظری

شارل مورون، از پیروان روان‌کاوی فروید محسوب می‌شود. مورون برای هنرمندان یا نویسندگان اسطوره‌ای شخصی معرفی کرده و از پایه‌گذاران روان‌سنجی در جهان است. «روان‌سنجی، بر پایه دانش روان‌شناسی و اصول اساسی این دانش استوار گردیده و در میان جریان‌های گوناگون روان‌شناسی، بیش از همه پیرو فرویدسم است. بر این اساس بر ضمیر ناخودآگاه فردی و شخصی تأکید زیادی دارد. البته روان‌سنجی مورونی بر چند پایه بنیادین بنا شده است که محیط اجتماعی، شخصیت خلاق و زبان مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌روند» (نامورمطلق، ۱۳۹۷: ۳۶۲). نگاه او نیز مانند فروید به شخصیت فرد و آنچه بر ناخودآگاه تأثیر می‌گذارد، مؤکد است؛ بنابراین برای بررسی یک هنرمند باید اکثر کارهای او بررسی شود تا بتوان آنچه به‌صورت تکرار در کارها وجود

دارد و از ناخودآگاه یک هنرمند نشئت گرفته، مشخص شود. «ارتباط متقابل میان مطالعات هنری و روان‌کاوی عمری بیش از یکصد سال دارد و نقد مبتنی بر روان‌کاوی تقریباً همزاد خود روان‌کاوی است؛ چراکه از همان آغاز فروید در حکم مبدا روان‌کاوی بخشی از فعالیت‌های خود را به بررسی هنر اختصاص داد» (عوض‌پور و شایگان‌فر، ۱۴۰۰: ۱۳۰). همان‌گونه که فروید، آدمی را دارای عقده‌ی شخصی براساس سرکوب‌هایش می‌داند، نیز اسطوره‌ی شخصی را برای سرکوب‌های درونی انسان بیان می‌کند.

«به عقیده مورون، آثار برجسته ادبی باید به شناخت رازهای ناشناخته آدمی کمک کند. کشف این رازها، کار روان‌کاوی متن است. پس روان‌کاوی باید به خوانش هرچه بهتر بینجامد» (غیائی، ۱۳۸۲: ۱۷۱). مورون همانند فروید معتقد است که تکرار، نمایش عقده‌های شخصی که نتیجه سرکوب و یا کنترل بیش از حد آن است. این عقده‌ها در هنر و ادبیات موجود بوده و با دنبال کردن آثار یک هنرمند یا یک مؤلف می‌توان تا حد زیادی به تکرارهای ذهنی او دسترسی پیدا کرد. «ناخودآگاه هر هنرمند خلاق دارای چهره‌ای فراگیر است که نمایش‌دهنده‌ی اسطوره‌ی شخصی او بوده و نیروی محرکه‌ای برای هر نوع خلاقیت هنری است».

لازم است در اینجا از اهمیت حلقه‌ی بلومزبری در تبیین نگاه مورون صحبت شود. در این گروه، نگاه فرمالیسم به هنر و ادبیات اهمیت داشته و فرم دارای معنایی متصل به خالق اثر است. «فرم به منزله‌ی چیزی بیرونی به دور ماده نمی‌پیچد، بلکه چنان اراده‌ای است که از درون ماده ایجاد می‌شود. فرم و ماده از هم جدایی ناپذیرند» (Forty, 2004: 159). در این نوع نگاه روانکاوانه به فرم، رمانتیک‌ها حضوری فعال داشتند، آن‌ها زندگی شخصی انسان را برای ایجاد فرم هنری و ادبی مهم می‌دانند. در نگاه فرمالیستی به هنر، بدن هم چون فرم اثر بوده که به روح معنا می‌دهد؛ بنابراین در روان‌کاوی هنر، اهمیت فرم برای درک و شناخت روح و معنای خالق اثر است.

«فروید اسطوره‌ها را فرافکنی بیرونی ناخودآگاه فردی به شمار می‌آورد و اشتراک میان انگاره‌های رویا و اسطوره را می‌پذیرد» (بیرلین، ۱۳۸۶: ۳۷۷). بسیاری از پژوهش‌گران، مورون را از اولین افرادی می‌دانند که به اهمیت نگاه کردن بها داده است. نگاه کردنی که به دنبال کشف ضمیر ناخودآگاه مؤلف و هنرمند است. ضمیر ناخودآگاه که خود دربردارنده‌ی تمایلات سرکوب‌شده‌ای است که هم به خانواده برمی‌گردد و هم به اجتماع؛ بنابراین کشف عناصر تکراری در اثر، خوانشی فردی و جمعی از دوره‌ای بوده که مؤلف یا هنرمند در آن زیست می‌کند. «روان‌رنجوری نتیجه‌ی توفیق نیافتن بیمار در سرکوب کامل خاطرات اضطراب‌آور و تکانه‌های آرزومندانه است» (فروید، ۱۴۰۰: ۱۹). این نگاه را می‌توان برای نمایش بدن انسان و موجودات در آثار هنرمندان پیگیری کرد. در اینجا هنرمند بنا به احساس خویش در باب بدنش و همچنین تأثیر نگاه و نظر دیگری و دیگران به آن، شروع به نمایش وسواس‌گونه هنر و نوشتارش دارد. از نگاه مورون، هنر و ادبیات،

اولین تأثیر اجتماعی که کودک در آن قرار داشته یعنی خانواده را به مخاطب نشان می‌دهد؛ بنابراین آثار هنری و ادبی، خود به عنوان نوعی برون‌ریزی احساس و امیال سرکوب‌شده‌ای به حساب می‌آیند که از طریق خوانش صحیح آن‌ها می‌توان بخشی از لایه‌های زندگی هنرمند یا مولف را متوجه شد. روان‌سنجی مورد نظر مورون، دارای چهار مرحله زیر است:

۱. مطالعه تمام یا بخش کثیری از آثار هنرمند؛ برای تشخیص و استخراج عوامل تکراری در آن‌ها؛

۲. ایجاد نوعی شبکه‌بندی از این تکرارها به منظور ساخت یک رابطه میان آن‌ها؛

۳. رسیدن به یک مضمون مشترک، پس از مطالعه شبکه‌بندی‌ها و بیان یک اسطوره شخصی برای هنرمند؛

۴. بررسی سرگذشت هنرمند برای تایید یا تکذیب اسطوره شخصی بیان‌شده. با مطالعه مراحل مطرح شده توسط مورون می‌توان فهمید که او از جمله محدود کسانی است که از متن به مؤلف یا اثر به هنرمند اشاره دارد، پس لایه‌های ساختارگرایی در تفکر و روش مورون به خوبی دیده می‌شود. این لایه‌های بیان‌شده را با بررسی تکرار در فرم‌های هنرمند معاصر ایران، فرشید ملکی کشف کرده و در ادامه تحلیل آن صورت می‌گیرد. ملکی را می‌توان هنرمند سبک پساکمال‌الملک در ایران دانست. او پس از بازگشت از اروپا، راهی جدا از راه دیگر هنرمندان رئالیسم ایران پی گرفت و فرم‌هایی ناهنجار و انتزاعی را در معرض نمایش گذاشت. این فرم‌ها، سوژه اصلی این تحقیق برای تطبیق آن با روان‌سنجی مورون بوده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

روان‌سنجی انسان در آثار فرشید ملکی

فرشید ملکی یکی از ساختارشکنان فرم ایده‌آل انسانی است. او در گفت‌وگویی که با ایمان افسریان در شماره دوم فصلنامه حرفه - هنرمند داشته، اطلاعاتی از نگاه هنری و شخصی خود به مخاطب ارائه می‌دهد. ملکی در این مصاحبه، هنر و ابزار کارش را راهی برای برون‌ریزی خود می‌داند و خود را به ابزارش برای شکل‌دهی به اثر می‌سپارد. او برای موجوداتش، روایتی شخصی در نظر گرفته که بیانگر بخشی از وجود او هستند. «این موجودات که با این خطوط و بافت‌ها ساخته شده‌اند و ارتباط غریبی باهم دارند مرا درگیر فضایی می‌کنند که برایم تداعی‌کننده معنایی هستند» (افسریان، ۱۳۸۱: ۱۵۲). ملکی در این مصاحبه از تأثیر زندگی شخصی خود در خواب‌ها و سپس آثارش، اندکی صحبتی کرده است.

آنچه که گفته شد، تأییدی در نگاه فردی هنرمند به حضور رویدادهای زندگی شخصی‌اش در آثار اوست؛ البته برای روان‌کاوی هنر و روان‌سنجی مورونی نیازی به تأیید هنرمند نیست؛ اما در این نوشتار با توجه به گفته فرشید ملکی، بهتر است به آن اشاره شود. بنا بر نگاه مورون هر هنرمند، دارای اسطوره شخصی

است که این اسطوره براساس تکرار در فرم‌های آثار او بیان می‌شود. «اساطیر همچون آینه‌ای هستند که شکوه، معنا و محدودیت‌های کهن‌الگویی درون ما را انعکاس می‌دهند... گاهی اوقات با رب‌النوعی مواجه می‌شویم که خود طردش کرده بودیم، چون می‌ترسیدیم او ما را طرد کند» (بولن، ۱۳۹۲: ۳۹۷). فرم بدن در آثار ملکی دگرپس شده و فرمی انتزاعی به خود گرفته است، یعنی انسان و حیوان به شکلی غیر واقعی و خیالی نمایش داده می‌شوند. لازم به ذکر است که برای روان‌سنجی مورونی، باید تعداد کثیری از آثار هنرمند و نویسنده بررسی شود؛ بنابراین مطالعه موردی در این روش ممکن نیست و تنها تعدادی اثر از فرشید ملکی در این نوشتار آمده است.

برای تحلیل آثار هنری، باید به ترکیب‌بندی و رنگ در اثر توجه کرد و جدای از فیگور انسان یا حیوان، به حضور اشیا در پس‌زمینه یا پیش‌زمینه توجه کرد. نوع خط‌گذاری هنرمند و حالت خط خطی کردن او را می‌توان لغزشی کلامی در نظر گرفت که ناخودآگاه هنرمند برای بیان آسیب‌های روحی خود به کار می‌گیرد. بنابراین پس از بیان این توضیحات به بررسی مراحل چهارگانه مورونی برای بررسی آثار فرشید ملکی می‌پردازیم.

مرحله اول:

بنابر آنچه که بیان شد، در این تحقیق به مطالعه نقاشی‌های فرشید ملکی براساس مراحل روان‌سنجی شارل مورون پرداخته خواهد شد. در مرحله اول پس از بررسی بیش از پنجاه اثر از این هنرمند، عناصر مشترکی از آن‌ها استخراج شده است که در ادامه بیان خواهد شد.

«انسان»، در اکثر آثار ملکی نقش اساسی دارد. در بسیاری از این نقاشی‌ها، انسان نه به تنهایی بلکه در جمع نشان داده می‌شود، اما جمعی که انزوای تمام افراد را به خوبی نمایش می‌دهد. ملکی در بیشتر موارد انسان را در خصوصی‌ترین حالت خود، یعنی در برهنگی کامل، در معرض دید می‌گذارد. «بدن»، دیگر موضوعی است که در این آثار به وضوح دیده می‌شود. بدن در آثار این هنرمند به دو صورت انسانی و حیوانی ظاهر شده است؛ نقطه اشتراک این دو گروه حالت انتزاعی فرم بدن است. از منظر ژیل دلوز^۴، بدن به منزله منبعی برای «حرکت» و نوعی «شدن» است؛ بدن‌های نقاشی شده توسط ملکی نیز حرکت را نشان می‌دهند، حرکت‌هایی به معنای: اضطراب، ترس، تشنج و درخودرفتگی. انسان در این آثار حتی در مواجهه با دیگری نیز تنهایی خود را فریاد می‌زند. بدن دارای نباشتی کینه‌جو شده که با اثر هنری خود به تخلیه آن می‌پردازد.



تصاویر ۱. نمونه‌های کاربردی (URL 1)

«چشم»، عنصر مهم دیگری در آثار ملکی است. چشم‌ها در چهره یا توخالی هستند، یا با درد به مخاطب می‌نگرند یا چهره هیچ جزئیاتی ندارد. اضطراب و خجالت خود را در چهره به رخ می‌کشد. رنگ‌ها در آثار او متنوع هستند، گویی ملکی به دنبال تجربه کردن طیف‌های گوناگون رنگ در نقاشی‌های خود است. او به دنبال رنگ آمیزی مرتب و صحیح در آثار نیست، بلکه به مثابه خط خطی کردن و با نوعی بی‌دقتی نمایش داده می‌شود. «شیوه اجرایی او مثل خط خطی‌های حاشیه دفترچه تلفن است که با ذهن خالی و دستی خودمختار روی صفحه جاری شده‌اند» (خضری، ۱۳۹۷: ۱۴۴). در نقاشی‌های ملکی با تعدد و تجمیع انسان، نوعی ریتم وجود دارد. چشم بیننده در میان انسان‌ها سرگردان است، درست مانند «خطوط» مورد استفاده در نقاشی‌های او «هرکدام ریتم‌هایی را توزیع می‌کنند، درحالی‌که فیگورهای زیادی در

میدان طنین اندازند، میدان آن‌ها را از هم جدا می‌کند و به هم وصل می‌کند» (دلوز، ۱۳۹۸: ۴۱). دیگر اتفاق مهم در اغلب آثار او، نمایش یک حیوان است. در بعضی از نقاشی‌ها، حیوان نقطه مرکزی و گاهی موجب تخریب اندام‌های انسان‌وار اثر است. در این آثار خیال و واقعیت در هم آمیخته شده‌اند، ملکی به طراحی انسان یا حیوان در کارهایش نمی‌پردازد، بلکه انسان و حیوان را از میان خطوط کاغذ و بوم پیدا می‌کند. «تنها تخیل به رویای شخصیت واقف است؛ دیگران در خوابی آرام‌اند. در این رویاپردازی تخیل، فرد نه شکلی بالفعل که یک سایه است، یا به بیان دقیق‌تر، شکل بالفعل‌اش، غایبانه حاضر است و از این رو به فرا افکندن فقط یک سایه اکتفا نمی‌کند، بلکه فرد واجد کثرتی از سایه‌هاست که همه شبیه اویند و تک‌تک‌شان به نحو گذرا در مقام خویشتن او می‌ایستند» (کیرکگور، ۱۴۰۰: ۳۹). نوعی آشوب، در آثار ملکی وجود دارد که انزوای بشر را فریاد می‌زند. اندام‌ها گاه به صورت کامل نمایش داده می‌شوند و گاه به صورت نصفه از کادر بیرون کشیده شده‌اند.

در بعضی از آثار نیز ابرویا چشم به صورت برعکس نمایش داده شده است. چهره نیز به همین شکل، نیم‌رخ، تمام‌رخ یا سه‌رخ است. مو، نیز در کارهای عنصری مهم است که برای بعضی از انسان‌ها کشیده و برای برخی دیگر کشیده نشده است.



تصاویر ۲. نمونه‌های کاربردی (URL 1)

در اکثر کارهای ملکی، اندام‌های جنسی نقشی اساسی دارند. حتی با وجود مشخص نبودن چهره‌ها، اندام‌های جنسی نشانگر زن و یا مرد بودن کاراکتر هستند. حفره دیگر عنصر آثار او است که در اغلب نقاشی‌ها در گوشه و یا در مرکز اثر به چشم می‌خورد. ملکی همیشه انسان را در حالت ایستا و بر روی زمین نمایش نمی‌دهد، بلکه در بعضی از کارهایش به‌ویژه در مجموعه نقاشی‌های «آسمان‌ها»، انسان‌ها بر لبه پرتگاه نیز کشیده شده‌اند. انسان‌هایی که ریتمی ناهمگون را با کوچکی و بزرگی اندام خود نشان می‌دهند.

مرحله دوم:

پس از بررسی آثار ملکی، طبق مراحل گفته‌شده توسط شارل مورون به سراغ شبکه‌بندی شباهت‌ها رفته و میان آن‌ها نوعی ارتباط بررسی می‌شود. در ادامه به تحلیل شباهت‌های میان تعدادی از آثار پرداخته می‌شود. در این بخش هفت اثر از این نمایشگاه انتخاب شده تا ویژگی‌های کلی آن‌ها بررسی شود. توضیح آثار براساس ترتیب چیدمان نقاشی در جدول زیر است. برای هر نقاشی به چیدمان موجودات، نحوه قرارگیری آن‌ها و هم‌چنین پردازش رنگ و خط توجه می‌شود؛ برای مثال در اثر زیر تعدادی فیگور کشیده شده که هر یک دارای شکل و فرم خاص خود هستند. بعضی از بدن‌ها بهم چسبیده و در هم تنیده و دارای وضعیت خاص هستند. نکته قابل توجه در این آثار، اروتیک نبودن بدن زن و مرد به‌عنوان ابژه‌ای جنسی است. بعضی از بدن‌ها نیز در حال افتادن از پرتگاه و بعضی حالت چمباتمه را تداعی می‌کنند.



بنابر آنچه بیان شد، می‌توان انسان‌هایی گاه معلق، نصفه، برهنه و بدون مو را در تضاد با انسان ایستا و متناسب در آثار ملکی به وفور مشاهده نمود. اما آنچه بسیار مورد توجه است، خطوط دور شخصیت‌های آثار ملکی است که انگار بدون دقت کشیده شده‌اند. در اینجا می‌توان لایه‌های روان‌کاوی را به خوبی مشاهده کرد.



تصاویر ۳. نمونه‌های کاربردی (URL 1)

همان‌طور که دلوز بیان می‌کند، خط از میانه نقاط عبور می‌کند و هیچ چیزی به صورت مستقیم در آثار ملکی دیده نمی‌شود. «آشوب» و «فاجعه» در آثار پدیدار است و از همه مهم‌تر انفعال و اضطراب آدمی در عصر مدرن به خوبی در حرکت چشم، دست و صورت خود را نشان می‌دهد. در آثاری که ملکی چهره را نمایش نمی‌دهد نیز رنگ و خطوط نماینده نمایش این اضطراب به مخاطب هستند.

مرحله سوم:

در این مرحله، با پشت سر گذاشتن شبکه‌بندی میان اشتراکات آثار فرشید ملکی، به جست‌وجو و تعریف اسطوره شخصی وی پرداخته می‌شود. آن‌چه در آثار یک نقاش بسیار مورد توجه است، دو ویژگی خط و رنگ است. بنابر آنچه گفته شد،

هر دو ویژگی در نقاشی‌های ملکی به صورت خط خطی و بدون دقت فضا را پر کرده است و حتی در بعضی آثار رنگ بسیار کم استفاده شده است. دیگر سخن آنکه می‌توان وجود کلیدواژه‌هایی چون: ترس، فوبیا، پانیک، عقده ادیپ و اضطراب را در اکثر کارهای این هنرمند به خوبی مشاهده کرد. در این مرحله با مطالعه اسطوره‌شناسی، اسطوره «پان»^۵ که از اساطیر ترس و اضطراب در یونان باستان است، نام برده می‌شود. پان «در اساطیر یونانی: پسر هرمس^۶، خدای حامی چوپانان در آرکادیا. نیرومند، زشت روی و دارای شاخ و گوش و پای بز. پان خدای باروری و سرشار از نیروی جنسی نیز شناخته می‌شد» (پاکباز، ۱۳۹۹: ۲۲۹۷). پان به عنوان خدای شوخ و موسیقی‌دان اعجوبه نیز مطرح است که در نقاشی‌های بسیاری از هنرمندان رنسانس به همراه فلوت خود به تصویر کشیده‌اند. «در منظومه‌های هومری، پدر او هرمس و مادرش دریوپ نامیده شده است. به هنگام تولد، مادرش از دیدن او به وحشت افتاد. اما برخلاف مادرش، پدرش او را دوست داشتنی یافت» (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۷). ملکی نیز در گفت‌وگویش با افسریان به یک خاطره اشاره می‌کند: «بابای ما از مادرمان جدا شده بود و ما هفته‌ای یک بار اجازه داشتیم برویم پهلوی مادرمان. مادر ما یک مادری داشت که واقعاً برای ما شخص مقدسی بود» (افسریان، ۱۳۸۱: ۱۵۳). بنابراین جدایی و طردشدگی از سمت مادر یکی از نکات مهم در زندگی فرشید ملکی و پان است. پان نیز توجه همه را به خود جلب کرد، اما مادرش را به وحشت انداخت.

«مرض پانیک^۷ در لغت از اسم پسر هرمس، یعنی پان، ریشه می‌گیرد. پان در واقع ترکیبی از همه غرایز حیوانی انسان و نیروهای اهریمنی طبیعت است که دگردیسی گشته و در کالبد موجود اسطوره‌ای متجلی شده است. او نمودی از طبیعت حیوانی انسان و نمادی از طبیعت وحشی در وجه عام آن است. پان بیش از همه با غرایز شهوانی انسان مرتبط تصور شده است. در واقع به بیانی نمادین، می‌توان پان را از مغان سفر هرمس از طبیعت به فرهنگ برشمرد. او وجهی از آدمی است که در عصر نو مکروه و حتی مضمئزکننده محسوب می‌شود. موجد نوع خاصی از فلوت است که نوای آن غرایز شهوانی آدمی را تحریک می‌کند» (گزگین، ۱۳۹۷: ۲-۲۰۱).

با مطالعه آثار ملکی، اضطراب و پانیک بسیار مشهود بوده و مطابق با اسطوره «پان» است. به نوعی می‌توان تجلیات جنسی و جسمی بشر در دنیای مدرن را در این اسطوره مشاهده کرد. تجلیاتی که توسط قوانین و مقررات محدود و گاه سرکوب شده است و در آثار هنری و ادبی برون‌ریزی می‌شود. بنابراین، وجه اضطراب ناشی از سرکوب در بسیاری از آثار هنری و ادبی به ویژه نقاشی‌های فرشید ملکی به خوبی نمایان است.



تصاویر ۴. نمونه‌های کاربردی (URI 1)

مرحله چهارم:

حال پس از بررسی و مشخص نمودن اسطوره شخصی هنرمند، تطبیق آن با زندگی شخصی هنرمند اهمیت دارد. بنابراین در این مرحله به مطالعه کودکی و تأثیر آن بر بزرگسالی فرشید ملکی پرداخته خواهد شد. سایت آرته در آذر ماه سال ۱۳۹۴، طی مصاحبه‌ای با فرشید ملکی، اندکی در رابطه با کودکی او و شخصیت‌های موجود در آثارش، اطلاع‌رسانی کرد. ملکی در این مصاحبه به جدایی پدر و مادر خود، هنگامی که او دو سال داشت، اشاره کرده و ادامه زندگی خود و برادرش را در کنار پدر بیان کرد. جدایی از مادر و دیدار هر از چندگاه میان آن‌ها یکی از دلایل درستی انتخاب ویژگی اضطراب برای آثار ملکی می‌باشد.

«اضطراب را اغلب به عنوان حالت ترسی که فاقد ابژه است ادراک می‌کنیم. به این معنا که نمی‌توانیم به سادگی بگوییم چه چیزی باعث اضطراب ما می‌شود؛ بنابراین، اضطراب احساسی ناخوشایند و از ترس هولناک‌تر است؛ دقیقاً به این دلیل که آنچه اضطراب را موجب می‌شود، برای ما مبهم است». ملکی در گفت‌وگوهای خود به ماهیت مبهم خویش اشاره می‌کند و پریشانی را از مشخصه‌های انسان مدرن می‌داند. به همین علت، اندام‌های انسان وار بدون چیستی و ماهیت، اغلب معلق یا پشت به مخاطب هستند. او به نمایش رنج و فقدان آدمی در نقاشی‌هایش می‌پردازد و خود را دارای سبک سوررئالیسم^۱ معرفی می‌کند.

بنابراین، «ضمیر ناخودآگاه^۱» و «تداعی آزاد^۲» موجود در نظریات فروید و مکتب سوررئالیسم در آثار فرشید ملکی به خوبی نمایان است. سوررئالیسم، «یک جنبش و سبک هنری در اوایل قرن بیستم است که در جهت فهم ظرفیت بالقوه ذهن و جست‌وجو در ضمیر ناخودآگاه ذهن است که به صورت نگارش خودکار و چینش تصاویر نامعقول در کنار هم و پی بردن به عمق رویاهای افراد است» (Oxford Advanced Learner) Dictionary New 20 17: 13 10).

هنر به برون‌ریزی ضمیر ناخودآگاه کمک کرده و تحمل آنچه به عنوان سرکوب در ذهن انسان شکل گرفته را آسان‌تر می‌کند «ژرژ باتای، نویسنده سوررئالیست در مقاله‌ای با عنوان: قطع عضو به مثابه قربانی و گوش بریده‌شده و نسان و نگوگ، اظهار می‌دارد که هنر از زخمی درمان‌ناپذیر زاده می‌شود» (ناکلین، ۱۳۹۹: ۱۰۹). پس می‌توان تکرار مکرر برهنگی و وجود اندام‌های جنسی را نوعی بی‌هویتی انسان فرض نمود. «فقدان انسان در آدمیزاد می‌تواند به شکل‌های گوناگونی مشخص شود، مثلاً با از شکل انداختن‌های کاریکاتوری و مونتاژی که وحشی‌گری حیوان یا کودنی گیاه را نشان می‌دهند» (رانسیر، ۱۳۹۹: ۱۰۰). درنهایت می‌توان گفت: انتخاب ویژگی اضطراب و رسیدن به اسطوره «پان»، که خود نمایش حالات جنسی و اضطراب‌های ناشی از آن است، با سیر زندگی هنرمند مطابقت داشته و ملکی به دنبال نمایش اضطراب و پریشانی در نقاشی‌هایش است.

نتیجه‌گیری

فرشید ملکی از جمله مدرنیست‌های عرصه هنر معاصر ایران است که پیکره انسان در آثارش حاوی اشاراتی به ضمیر ناخودآگاه اوست. ملکی به دنبال نمایش انسان به معنای واقعی آن نیست، بلکه انسان را با نوعی فیگورزدایی به تصویر می‌کشد. بسیاری از پژوهشگران و منتقدان، نقاشی‌های او را دارای بعد روان‌کاوانه دانسته و ناخودآگاه او را در شکل‌گیری انسان‌هایش دخیل می‌دانند؛ بنابراین رویکرد شارل مورون که یکی از پیروان فروید و مبدع رویکرد «روان‌سنجی» است، در تحلیل آثار ملکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مورون در بیان رویکرد خود، به تبیین چهار مرحله پرداخته که ابتدا با شناسایی آثار شروع شده و درنهایت به هنرمند می‌پردازد.


چهار مرحله بیان‌شده توسط مورون به این صورت است: در وهله نخست، پژوهشگر باید به دنبال آثار هنرمند رفته و آنچه به صورت تکرار در آثار آن‌ها به کار رفته را شناسایی کند. مورون این تکرارها را نوعی تشویش ذهنی می‌داند. در مرحله دوم، باید به شبکه‌بندی تکرارها و ایجاد ارتباط میان آن‌ها پرداخته شود. در مرحله سوم، با توجه به این شبکه‌بندی‌ها باید به مضمونی مشترک رسید و «اسطوره شخصی» هنرمند را شناسایی کرد. در مرحله آخر نیز باید به تطبیق

آن اسطوره با زندگی شخصی هنرمند پرداخته شود تا درستی یا نادرستی انتخاب اسطوره مشخص شود. پس از بررسی آثار بسیاری از نقاشی‌های فرشید ملکی، لایه‌های اضطراب در نقش، رنگ و خطوط کاملاً مشهود است و اسطوره شخصی انتخاب شده برای او، «پان» تعیین شده است. درنهایت، می‌توان به وجود ضمیر ناخودآگاه که مورد نظر آرای شارل مورون است در آثار ملکی اشاره کرد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

Hanane Yaghoubi  <https://orcid.org/0000-0003-4724-7564>

Mino Khany  <https://orcid.org/0000-0002-4398-8907>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

1. Freud
2. Charles Mauron
3. Myth Personal
4. Gilles Deleuze
5. pan
6. Hermes
7. Panic
8. Surrealism
9. Unconscious
10. Free Association

منابع و مآخذ

- افسریان، ایمان (۱۳۸۱). مصاحبه با فرشید ملکی، حرفه - هنرمند، شماره ۲.
- بولن، شینودا (۱۳۹۲). *نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی مردان*. ترجمه مینو پرنیانی با همکاری پرتو پارسی. تهران: انتشارات آشیان.
- بیرلین، ج.ف (۱۳۸۶). *اسطوره‌های موازی*. تهران: نشر مرکز.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۹). *دایره‌المعارف هنر، جلد سوم*. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- خضری، مسلم (۱۳۹۷). *نگره فیگوراتیو در نقاشی معاصر ایران*. تهران: نشر نظر.
- دلوز، ژیل (۱۳۹۸). *فرانسیس بیکن: منطق احساس*. ترجمه بابک سلیمی‌زاده. تهران: روزبهان.
- رانسیر، ژاک (۱۳۹۹). *فیگورهای تاریخ*. ترجمه فرهاد اکبرزاده. تهران: مانیای هنر.
- سالکل، رناتا (۱۳۹۶). *درباره اضطراب*. ترجمه عباس خورشیدنام و سیاوش طلایی‌زاده. تهران: نشر شوند.
- عوض‌پور، بهروز، خبازان، سهند، خبازان، ساینا (۱۳۹۹). *روان‌اسطوره‌شناسی‌های هنری*. تهران: نشر سخن.
- عوض‌پور، بهروز، خبازان، سهند، خبازان، ساینا (۱۳۹۷). *روان‌اسطوره‌شناسی: فرهنگ روان‌رنجوری‌های اسطوره‌ای*. تهران: نشر سخن.
- عوض‌پور، بهروز، شایگان‌فر، نادر (۱۴۰۰). *روان‌سنجی خلاقیت در نقاشی‌های فرانسیس بیکن*. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۲۶ (۳)، ۱۲۹-۱۳۷. Doi: 10.22059/jfava.2019.286101.666285
- غیائی، محمدتقی (۱۳۸۲). *نقد روان‌شناختی متن ادبی*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- فروید، زیگموند (۱۴۰۰). *کابرد روان‌کاوی در نقد ادبی: هفت اثر از فروید درباره‌ی ادبیات*. ترجمه حسین پاینده. تهران: انتشارات مروارید.
- کیرکگور، سورن (۱۴۰۰). *تکرار: جستاری در نفس‌شناسی تمثیلی*. ترجمه محمدهادی حاجی‌بیگلوی. تهران: نشر شب‌خیز.
- گرگین، اسماعیل (۱۳۹۷). *هنر اسطوره‌شناسی*. ترجمه بهروز عوض‌پور. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناکلین، لیندا (۱۳۹۹). *بدن تکه‌تکه شده: قطعه به مثابه استعاره‌ای از مدرنیته*. ترجمه مجید اخگر. تهران: نشر بیدگل.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۷). *درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: نشر سخن.

- Afsyarian, Iman (2002). "Interview with Farshid Maleki," Artist Profession, No. 2. **[In Persian]**
- Avazpour, Behrouz; Khobazaan, Sahand; Khobazaan, Sayna (2018). Psycho-Mythology: The Culture of Mythological Psychopathologies. Tehran: Sokhan Publishing. **[In Persian]**
- Avazpour, Behrouz; Khobazaan, Sahand; Khobazaan, Sayna (2020). Artistic Psycho-Mythology. Tehran: Sokhan Publishing. **[In Persian]**
- Avazpour, Behrouz; Shayganfar, Nader (2021). "Psychometric Assessment of Creativity in Francis Bacon's Paintings." Journal of Fine Arts - Visual Arts, Volume 26, No. 3. **[In Persian]**
- Birlin, J.F. (2007). Parallel Myths. Tehran: Markaz Publishing. **[In Persian]**
- Boulain, Shinoda (2013). Mythical Symbols and the Psychology of Men. Translated by Minu Parniyani in collaboration with Parto Parsi. Tehran: Ashiyan Publications. **[In Persian]**
- Deleuze, Gilles (2019). Francis Bacon: The Logic of Sensation. Translated by Babak Salimi-zadeh. Tehran: Roozbeh Publications. **[In Persian]**
- Freud, Sigmund (2021). The Application of Psychoanalysis in Literary Criticism: Seven Works by Freud on Literature. Translated by Hossein Payandeh. Tehran: Mowrid Publications. **[In Persian]**
- Forty, Adrian (2004). *Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture*. Thames and Hudson.
- Ghiasy, Mohammad Taghi (2003). A Psychoanalytic Critique of Literary Texts. Tehran: Negah Publications. **[In Persian]**
- Gozgineh, Ismail (2018). The Art of Mythology. Translated by Behrouz Avazpour. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. **[In Persian]**
- Khazari, Moslem et al. (2018). Figurative Perspectives in Contemporary Iranian Painting. Tehran: Nazar Publishing. **[In Persian]**
- Kierkegaard, Søren (2021). Repetition: An Essay in the Psychology of Symbolic Representation. Translated by Mohammad Hadi Hajibiglou. Tehran: Shabkhiz Publishing. **[In Persian]**
- Namvar Motlagh, Bahman (2018). An Introduction to Mythology: Theories and Applications. Tehran: Sokhan Publishing. **[In Persian]**
- Nochlin, Linda (2020). The Fragmented Body: The Piece as a Metaphor for Modernity. Translated by Majid Akhgar. Tehran: Bidgol Publishing. **[In Persian]**
- Oxford Advanced Learner Dictionary New 2017.
- Pakbaz, Royin (2020). Encyclopedia of Art, Volume 3. Tehran: Contemporary Culture Publishing. **[In Persian]**
- Rancière, Jacques (2020). The Figures of History. Translated by Farhad Akbarzadeh. Tehran: Maniyeh Art. **[In Persian]**
- Salkl, Renata (2017). About Anxiety. Translated by Abbas Khorshidnam and Siavash Talayi-zadeh. Tehran: Shonoud Publishing. **[In Persian]**

منبع تصویری

URL1: darz.art/fa/artists/farshid-maleki

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

سال دوم، مسلسل ۵
شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲